



## رهء دشوار

چه دشوار است یارب دامن وصلش رها نیدن  
ز آغوش وطن با حسرت و حرمان بیریدن  
بهای جهل وحشت است ، فضای کینه و نفرت  
به ذلت کی توان، بادیو ودد یکدم به سر بردن  
زاوضاع مکدر وز فضای مرگ و خونریزی  
رهایبی زین مصیبت ها، رهء دشوار پیمودن  
گهی با مرگ در جنگ و گهی در کشوری در بند  
به امواج طلایتم ، در رهء موهوم ره بردن  
مصیبت دیدگان جنگ، دری هر خانه می کوبند  
که یابند گوشهء ،وز وحشت و بیداد آسودن  
پنا گاهش اگر باشی و دردش را دواداری  
بود معیار انسانی ، دری احسان بکشودن  
بری بیند تفاوت بین انسان ها در عالم  
یکی باشد شفای درد و دیگر درد افزودن

این سروده بمناسبت روز فرهنگی در دنمارک و برای پناهجویان جدید که به این کشور آمده اند گفته شده است.